

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۷/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۱۸

## الزام به رعایت اخلاق و مشورت در اندیشه‌ی دینی مبنای قدرت نرم در حکومت اسلامی

علی بهادری جهرمی<sup>۱\*</sup>

علی فتاحی زفرقندی<sup>۲</sup>

۱. دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی ایران دانشگاه تهران، تهران، ایران.

### چکیده

قدرت به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم حقوق عمومی از منظر نوع و نحوه‌ی اعمال در دو دسته‌ی قدرت سخت و نرم قابل مطالعه است. وجهی متمایز این دو از یکدیگر در ابزارهایی است که در مقام اعمال خواست و اراده‌ی حاکمیت به وسیله‌ی حکمرانان به کار برده می‌شود. مبتنی بر اندیشه‌ی حقوق عمومی اسلامی، کارگزاران حکومت اسلامی در مقام اعمال حاکمیت موظف به رعایت الزامات مشخصی می‌باشند. پژوهش حاضر در مقام تحقیقی تحلیلی و بنیادین به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی است که آیا مقامات حکومت اسلامی در مقام اعمال حاکمیت مکلف به مشی بر اساس مولفه‌های قدرت نرم می‌باشند؟

با نگاهی به مجموعه تکالیف تعیین شده برای حاکمان در حکومت اسلامی از جمله الزام به رعایت گزاره‌های اخلاقی و لزوم رعایت مشورت به نظر می‌رسد، اصل در اعمال حاکمیت در حکومت اسلامی بهره‌گیری از ابزارهای قدرت نرم همانند اقناع و جذب است. این اصل حتی در فرهنگ جهاد و مبارزه با غیر مسلمانان و حکومت‌های طاغوتی نیز جاری خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** قدرت، قدرت نرم، گزاره‌های اخلاقی، حکومت اسلامی، آموزه‌های شریعت.

## مقدمه

مفهوم و ماهیت قدرت به عنوان یکی از کلیدی‌ترین و پایه‌ای‌ترین مفاهیم حقوق عمومی محسوب می‌گردد. ریشه‌ی این امر در آن نهفته است که حقوق عمومی وظیفه‌ی اصلی خود را تعیین قواعد، اصول و سازوکارهایی به منظور تحدید قدرت فرمانروایان، تضمین حقوق و آزادی‌های عمومی و ترسیم مرزهای قوای حکومتی قراردادده و از همین رو میان مفاهیم قدرت و حقوق عمومی پیوندی وثیق و ناگسستنی مفروض است چرا که تحقق مفاهیم الزام، اقتدار، سازمان‌بندی و ضمانت اجرا به عنوان مهم‌ترین کلیدواژگان حقوق عمومی بدون قدرت و توانایی اعمال اراده‌ی حاکمیت ممکن نخواهد بود. (قاضی، ۱۳۸۳، ۲۷۷) به بیان دقیق‌تر قدرت سیاسی یکی از اساسی‌ترین شرایط موجودیت دولت-کشور محسوب می‌شود. (قاضی، ۱۳۸۳، ۲۰۴)

اندیشمندان این حوزه قدرت را از لحاظ ماهیت و نوع ابزار به کار گرفته شده در آن به دو دسته قدرت سخت و قدرت نرم تقسیم‌بندی می‌نمایند. وجه بارز و ممیزه قدرت سخت از قدرت نرم در وجود عنصر آمریت و اجبار در قدرت سخت و وجود عنصر اقتناع و جذب در قدرت نرم است. از سوی دیگر مطالعه‌ی منابع شریعت اسلام نشان‌گر آن است که تحقق حاکمیت الهی در همه‌ی عرصه‌های زندگی بشری و حرکت به سمت و سوی سعادت و کمال مستلزم تشکیل حکومت اسلامی است. (خمینی، ۱۴۲۳، ۲۵-۲۸) حکومتی که همانند سایر حکومت‌ها در راستای اعمال حاکمیت شریعت نیازمند به اعمال قدرت می‌باشد. هر چند این اعمال قدرت محدود به رعایت الزاماتی از جمله رعایت مصالح عمومی، عدالت و ... از جانب حکمرانان می‌باشد.<sup>۱</sup>

آنچه اکنون محل تامل و بررسی به نظر می‌رسد، آن است که اصل در اعمال قدرت در اندیشه‌ی اسلامی، اعمال قدرت از طریق استفاده از ابزارهای قدرت سخت بوده و یا حکمرانان حکومت اسلامی موظف به بهره‌گیری از ابزار اقتناع و جذب می‌باشند. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش حاضر به این موضوع اختصاص می‌یابد که اصل در اعمال حاکمیت در حکومت اسلامی بهره‌گیری از ابزارهای قدرت سخت است یا قدرت نرم؟ در این راستا ابتدا مفهوم قدرت و اقسام آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد، سپس الزام به رعایت گزاره‌های اخلاقی و مشورت در عرصه‌ی حکمرانی به عنوان دو تکلیف حکمرانان در راستای اعمال حاکمیت شریعت در حکومت اسلامی بیان می‌گردد و مبتنی بر آن به ارزیابی سؤال اصلی پژوهش می‌پردازیم.

## ۱. چارچوب مفهومی

اولین گام در جهت پاسخ‌گویی به سؤال اصلی، تبیین مفهوم کلیدی پژوهش حاضر یعنی مفهوم قدرت و اقسام آن می‌باشد تا از این طریق میان نگارندگان و مخاطبان فهم مشترکی ایجاد گردد.

### ۱-۱. قدرت

قدرت در لغت از ریشه‌ی «ق د ر» می‌باشد و در معانی ظرفیت واقعی و حدّ نهایی و کامل هر چیز، غنا و ثروت، تمکن و تسلط بر کسی یا چیزی به کاررفته است. (بستانی، ۱۳۷۵، ۶۸۶- فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۲، ۱۹۸) پیرامون مفهوم اصطلاحی قدرت متناسب با حوزه‌های گوناگون معرفتی تعاریف مختلفی ارائه گردیده است. اندیشمندان غربی قدرت را به «پدید آوردن آثار مطلوب» (راسل، ۱۳۶۷، ۵۵)، «امکان تحمیل اراده خود بر رفتار دیگران» (آرون، ۱۳۷۰، ۵۹۸) و «توانایی دارنده آن برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به‌هرشکلی» (آشوری، ۱۳۸۷، ۲۴۷) تعریف نموده اند. بر اساس آراء اندیشمندان مسلمان مقصود از قدرت «توانایی انجام و ترک فعل» می‌باشد. (خمینی، ۱۳۷۴، ۱۰۹) به عبارت دقیق‌تر قدرت کیفیتی نفسانی است که منشأ انجام کاری یا ترک آن خواهد شد یعنی امکان اقدام به کاری یا ترک آن برای دارنده‌ی قدرت به طور مساوی وجود دارد. (صدرالمتألهین، ۱۳۶۴، ۲۶۸) در اندیشه‌ی اسلامی از آن‌جا که فعال مایشاء و قادر علی الاطلاق خداوند متعال است؛ هر کسی ماسوای او توانایی انجام کاری را داشته باشد؛ این توانایی بی شک به واسطه‌ای منتصب و مکتسب از حضرت حق تعالی خواهد بود.<sup>۲</sup> براساس تعاریف بیان شده از قدرت می‌توان گفت قدرت در مقام اعمال حاکمیت سیاسی، مجموعه‌ای از عوامل مادی و معنوی است که موجب به اطاعت درآوردن فرد یا گروه فرمانبردار توسط فرد یا گروه حکمران می‌شود. (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ج ۱، ۵۶)

### ۱-۲. قدرت سخت

از منظر اندیشمندان حقوق عمومی و علوم سیاسی می‌توان قدرت را از لحاظ نوع ابزار به کار گرفته شده، ماهیت و شاخص‌های آن در دو دسته‌ی قدرت سخت و قدرت نرم مطالعه کرد. قدرت سخت را «توانایی کسب پیروزی در یک منازعه چه به صورت کاربرد آشکار زور یا تهدید به زور، چه به صورت نهانی و از طریق عدم تصمیم‌گیری یا مزیت‌های ساختاری تعریف کرده‌اند.» (شهرام نیا، سید امیر مسعود و علی ابراهیمی و میثم بلباسی، ۱۳۹۱، ۷۴) خصوصیت بارز قدرت سخت در وجود صفت «آمریت»<sup>۲</sup> است که

بر اساس آن، فرد موضوع قدرت، مجبور به اطاعت از صاحبان قدرت می‌شود. (رفیع و قربی، ۱۳۸۹، ۱۲۰)

### ۱-۳. قدرت نرم

قدرت نرم، در اصطلاح به معنای توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران از طریق اقناع و جذب آن‌ها به گونه‌ای آشکار اما نامحسوس است که برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع به کار گرفته می‌شود و با استفاده از ابزارها و شیوه‌های غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر خواهد گذاشت (نای، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۶). به بیان دقیق‌تر قدرت نرم توانایی کسب خواسته‌ای است که آن را دنبال می‌کنیم، با استفاده از راهکارهای جذب به جای اجبار عملی. (مرادی، ۱۳۸۹: ۱۰۳) در قدرت نرم شکل آمرانه‌ی قدرت سخت که با تهدیدهای عینی همراه بود، تبدیل به قدرت متقاعدکننده می‌گردد و نتایج بهره‌برداری از این شیوه‌ی قدرت تمکین، رضایت‌مندی، افزایش اعتبار و اعتقاد بیشتر به قدرت حاکم خواهد بود. (یوسفی، ۱۳۸۷، ۲۱۵) بر این اساس در گفتمان قدرت نرم، تنها ابزارهای اعمال قدرت مورد بازنگری قرار نمی‌گیرد بلکه افزون بر ابزارهای اعمال قدرت، منابع آن نیز متحول می‌شود. (عیوضی و امامی، ۱۳۹۰، ۱۰۸) به بیان دقیق‌تر قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه‌ی توجیه از خود، کسب اعتبار بین‌المللی و داخلی است و خواسته‌ها و تمایلات از طریق مجذوب کردن به جای اجبار و امتیاز است. (اقبال، ۱۳۹۳، ۳۲) مهم‌ترین شاخصه‌ها و منابع مولد قدرت نرم در اندیشه‌ی حقوقی و سیاسی معاصر، فرهنگ، ارزش و سیاست خارجی است. (سعیدی و مقدم‌فر، ۱۳۹۳، ۱۰۹) بنابر این بر خلاف قدرت سخت که با شاخصه‌های همانند توانایی‌های نظامی شناخته می‌شود، قدرت نرم با توانایی‌های علمی، فرهنگی و سیاست داخلی و خارجی در ارتباط است. (بهادری جهرمی، ۱۳۹۱، ۵۸)

در مقام جمع‌بندی مفهوم قدرت نرم می‌توان گفت که قدرت نرم قدرتی برآمده از اجبار، زور و تطمیع نیست بلکه تأثیرگذاری آن ناشی از جذب و همراهی دیگران بوده و با تأکید بر سرمایه‌های اجتماعی موجود، بیشترین تأثیرگذاری را برجایی می‌گذارد. (افتخاری و کمالی، ۱۳۹۴، ۱۱)

بر این اساس یک حاکمیت به مقاصد مورد نظر خویش دست می‌یابد چرا که فرمانبرداران آن ارزش‌های آن را می‌پذیرند و مطابق با خواست حاکمیت رفتار می‌نمایند.

## ۲. پیوند اخلاق و قدرت ریشه‌ی تکلیف اعمال قدرت نرم

تا کنون مفهوم مورد نظر از قدرت و ابعاد آن روشن گردید و مشخص شد که قدرت نرم اعمال خواسته‌ها از طریق اقتناع و جذب دیگران است. آنچه اکنون دارای اهمیت است نحوه‌ی اعمال حاکمیت یا قدرت برتر سیاسی در حکومت اسلامی است. به بیان دقیق‌تر حکمرانان در مقام اعمال شریعت اسلام مکلف به اعمال اراده و خواست خود مبتنی بر امر و اجبار بوده و یا باید از ابزارهایی همانند جذب و اقتناع استفاده نمایند.<sup>۴</sup> به نظر می‌رسد به منظور پاسخ‌گویی به این سؤال باید به ریشه‌های ماهیت قدرت در اندیشه‌ی اسلامی و ارتباط وثیق میان قدرت و اخلاق و الزامات حاکم بر رفتار حکمرانان همانند مشورت مراجعه نمود.

### ۱-۲. درهم‌تنیدگی اخلاق و قدرت در اندیشه‌ی اسلامی

از اصطلاح اخلاق تعاریف متعددی به وسیله‌ی صاحب‌نظران مطرح گردیده است. اولین، رایج‌ترین و پر کاربردترین تعریف از اخلاق در بین اندیشمندان اسلامی که با رویکردی هدف‌گرایانه می‌باشد عبارتست از صفات و هیئت‌های پایدار نفسانی که موجب صدور افعال متناسب با آن، بدون نیاز به تفکر و تأمل می‌گردد. (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۷، ۲۳) شهید مطهری (ره) اخلاق را نظام دادن به غرایز می‌داند. در تبیین این تعریف می‌توان بیان نمود که وجود انسان از قوای متعددی تشکیل گردیده است که از جمله‌ی آنها می‌توان به قوای شهویه به منظور جلب منافع، قوه‌ی غضبیه با هدف دفع مضرات و یا قوه‌ی عاقله یا حساب‌گر اشاره نمود. در این بین اخلاق آن حالت نفسانی است که وظیفه‌ی منظم نمودن اعمال و تنظیم روابط این قوا را بر عهده دارد. (مطهری، بی‌تا، ج ۲۱، ۱۸۵) برخی نیز با نگاهی کارکردگرایانه اخلاق را مجموعه‌ای از دستور العمل‌هایی می‌دانند که مراعات آن موجب تحقق کمال اخلاقی و دستیابی به اهداف آن می‌گردد. (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ج ۱، ۵۴۵) در مقام جمع‌بندی، مفهوم اخلاق را می‌توان در دو عرصه‌ی غایت‌گرایانه و عرصه‌کارکردگرایانه مورد مطالعه قرار داد. بر این اساس مفهوم اخلاق گاهی به شناسایی و معرفی ماهیت خوی‌ها و خصلت‌های نیک و زشت و فضائل و رذایل اختصاص می‌یابد و گاهی به بیان ابراز و طریقه‌ی بروز افعال پسندیده یا ناشایست در ارتباط با دیگران اختصاص می‌یابد. (هاشمی شاهرودی و دیگران، ۱۴۲۶، ج ۱، ۳۱۶) هر چند در منظومه‌ی دستورات شرع مقدس آراسته شدن به صفات و فضایل اخلاقی و عمل بر اساس گزاره‌های آن برای عموم مسلمانان امری بایسته و پسندیده محسوب

می‌گردد و هیچ کس از متصف شدن به صفات و هیات فاضله‌ی نفسانی در مسیر رسیدن به کمال معاف نیست اما در این خصوص پیرامون کارگزاران و زمامداران حکومت اسلامی تأکیدات بیش‌تری صورت گرفته است. (الهامی‌نیا، بی‌تا، ۱۸) به بیان دقیق‌تر هر چند کسب فضایل و پرهیز از رذایل اخلاقی همواره مورد تأکید است اما قرار گرفتن افراد در برخی از موقعیت‌ها، عمل منطبق با برخی از فضایل و دوری از برخی از رذایل را ضروری‌تر می‌نماید. (اعظمیان بیگدلی، ۱۳۸۸، ۱۷) بر همین مبنا یکی از موقعیت‌ها و شرایطی که افراد در آن قرار می‌گیرند، موقعیت پذیرش مقام و مسئولیت در حکومت اسلامی است. در نتیجه مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها و گزاره‌های اخلاقی مستخرج از شریعت وجود دارد که کارگزاران حکومت اسلامی را به علت قرار گرفتن در مقام تصمیم‌گیری و اجرا در جهت تضمین نیل به اهداف معین و مدیریت آثار و تبعات تصمیمات مخاطب قرار می‌دهد. برخی از این گزاره‌ها عبارتند از رعایت فضایی همانند شجاعت، تأنی، شرح صدر، وقار، حلم، بخشش، گذشت، نظم و انضباط و دوری از رذایلی همانند ترس، تزلزل، اضطراب، یأس، شتاب‌زدگی، انتقام‌جویی، بی‌نظمی، خیانت و ظلم (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۵، ۴۰۲)

پیش از این بیان شد که اندیشمندان غربی قدرت در حوزه‌ی حقوق عمومی غربی را توانایی دارنده آن برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست حاکمیت با بهره‌گیری از هر شکلی می‌دانند. (آشوری، ۱۳۸۷، ۲۴۷) برخی بر این باورند که قدرت توان‌مندی عملی ساختن، و یا نابود کردن است و معتقدند وقتی افراد قدرت خود را در رابطه با دیگران اعمال کردند، مفهوم واقعی سیاسی به قدرت می‌دهند. (رجایی، ۱۳۶۶، ش ۱ و ۲) بر این اساس قدرت در اندیشه‌ی غربی دارای خصوصیات بارز و تفکیک‌ناپذیری است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به نوعی استکبار و استعلا اشاره نمود. در این خصوص می‌توان بیان نمود: «مفهوم مدرن «قدرت» از نسبت استکباری بشر مدرن با عالم و با خود و دیگران پدید آمده است و لذا جوهری استکباری دارد. لذا به دلیل همین ذات استکباری مانع رشد و کمال و اعتلای معنوی وجود آدمی می‌گردد. قدرت مدرن نفسانیت مدار و مبتنی بر اعراض از حق است و تجسم این اعراض از حق در خود بنیادی نفسانی آن ظاهر می‌گردد.» (زرشناس، ۱۳۸۵، ۲۰۴) این در حالی است که بر اساس اندیشه‌ی اسلامی مفهوم قدرت مبتنی و متکی بر مفهوم ولایت و اخلاق تعریف می‌گردد و از همین رو قدرت در اندیشه‌ی اسلامی توأمان برای اعمال‌کننده و بهره‌مند شونده‌ی آن موجب رشد، ترقی و کمال می‌شود. (زرشناس، ۱۳۸۵، ۲۰۳) در تبیین این عبارت

می‌توان بیان نمود مبتنی بر آموزه‌های شرعی قدرت در حکومت اسلامی دارای پیوند عمیق با مفهوم اخلاق و گزاره‌های اخلاقی می‌باشد و ریشه و مبنای سیاست‌ورزی اخلاق محوری محسوب می‌گردد. در این زمینه می‌توان گفت قدرت بدون در نظر گرفتن گزاره‌های اخلاقی برای انسان‌های غیر مهذب خطری بزرگ تلقی می‌گردد زیرا آنان را به سمت استبداد، خودرایی و استغنا می‌کشاند (دلشاد، ۱۳۸۰، ۳۰۴) و در نگاه دینی استبداد و استغنا سرآغاز سقوط انسان و عامل هلاکت اخروی وی می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ۵۵۰ و ۵۵۱) پیوند میان قدرت و اخلاق در سیره‌ی حکومتی علوی نیز به وضوح مشاهده می‌گردد. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «سلوک سیاسی امیرالمؤمنین از سلوک معنوی و اخلاقی او جدا نیست؛ سیاست امیرالمؤمنین هم، آمیخته‌ی با معنویت است، آمیخته‌ی با اخلاق است، اصلاً منشأ گرفته‌ی از معنویت علوی و اخلاق اوست. سیاست اگر از اخلاق سرچشمه بگیرد، از معنویت سیراب بشود، برای مردمی که مواجه با آن سیاستند، وسیله‌ی کمال است، راه بهشت است؛ اما اگر سیاست از اخلاق جدا شد، از معنویت جدا شد، آن وقت سیاست‌ورزی می‌شود؛ یک وسیله‌ای برای کسب قدرت، به هر قیمت؛ برای کسب ثروت، برای پیش بردن کار خود در دنیا. این سیاست میشود آفت؛ برای خود سیاست‌ورز هم آفت است، برای مردمی هم که در عرصه‌ی زندگی آنها این سیاست ورزیده می‌شود هم آفت است.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۲۰) در تبیین نگاه علوی به ارتباط میان قدرت و اخلاق می‌توان بیان نمود که در اندیشه امام حکومت یا همان نهاد اعمال‌کننده‌ی قدرت برتر سیاسی با سلطه، برتری جویی، تحکیم و قدرت طلبی بیگانه است و حضرت می‌کوشید بر خلاف تعریف رایج از قدرت؛ اخلاق را به عنوان عنصر ذاتی قدرت سیاسی مطرح نماید. (رنجبر، ۱۳۸۱، ۳۷) این موضوع در عهدنامه‌ی حکومتی حضرت به جناب مالک اشتر به وضوح ملاحظه می‌گردد جایی که می‌فرماید: «مگو من اکنون بر آنان مسلطم، از من فرمان دادن است و از آنها اطاعت کردن؛ زیرا این کار، عین راه یافتن فساد در دل، و ضعف در دین، و نزدیک شدن به سلب نعمت [الهی] است. و هرگاه موقعیت و اقتدارت، در دلت سرکشی و خیالبافی پدید آورد، به عظمت قدرت خدا بنگر که برتر از تو است، و قدرت مافوق او را با خود و با آنچه که بر آن مسلط نیستی، مقایسه کن، که این سنجش بدون شک تو را پایین می‌آورد و تندیات را مهار می‌کند و عقلت را به تو باز می‌گرداند.» در تبیین این کلام می‌توان گفت که عدم توجه به گزاره‌های اخلاقی مانند استکبار و دیکتاتوری، خویش‌گرایی، تفرعن و تفرعن که مصادیق انسان را به خوکامگی خواهد کشاند و در نتیجه حکومت اسلامی به جای

حرکت در مسیر صلاح و کمال به سمت سقوط، ذلت و شقاوت و بدبختی رهنمون می‌گردد. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۸، ۴۱)

امام خمینی نیز در بیان ضرورت ارتباط قدرت سیاسی و اخلاق در نگاه اسلامی، با بیان این موضوع که در اختیار داشتن قدرت برای افرادی که در مقام بهره‌گیری از گزاره‌های اخلاقی نیستند و به دنبال تزکیه و تهذیب نفس خود نمی‌باشند خطری بزرگ می‌باشد؛ می‌فرماید: «اگر تمام انبیاء عظام جمع بشوند در یک شهری و در یک کشوری، هیچ‌گاه با هم اختلاف نمی‌کنند برای اینکه آنها تزکیه شده‌اند، علم و حکمت را بعد از تزکیه در نفس دارند. گرفتاری همه ما برای این است که ما تزکیه نشده‌ایم، تربیت نشدیم، عالم شدیم، تربیت نشدیم، دانشمند شده‌اند، تربیت نشده‌اند، تفکراتشان عمیق است، لکن تربیت نشده‌اند و آن خطری که از عالمی که تربیت نشده است و تزکیه نشده است بر بشر وارد می‌شود آن خطر از خطر مغول بالاتر است غایت بعثت این تزکیه است، غایت آمدن انبیاء این تزکیه است و دنبالش آن تعلیم. اگر نفوسی تزکیه نشده و تربیت نشده وارد بشوند در هر صحنه، در صحنه توحید، در صحنه معارف الهی، در صحنه فلسفه، در صحنه فقه و فقاہت، در صحنه سیاست، در هر صحنه‌ای که وارد بشود اشخاصی که تزکیه نشدند و تصفیه نشدند و از این شیطان باطن رها نشدند، خطر اینها بر بشر خطرهای بزرگ است و باید کسانی که می‌خواهند در این عالم تربیت کنند دیگران را، باید قبلاً خودشان تزکیه شده باشند، تربیت شده باشند و کسانی که در بشر می‌خواهند زمامداری کنند، اگر بخواهند که طغیان نکنند و کارهای شیطانی نکنند باید تزکیه کنند خودشان را و بعثت برای همین است که همگان را تزکیه کند و این تزکیه برای دولتمردان، برای سلاطین، برای رؤسای جمهوری، برای دولت‌ها و برای سردمداران بیشتر لازم است تا برای مردم عادی. اگر افراد عادی تزکیه نشوند و طغیان پیدا بکنند، یک طغیان بسیار محدود است. یک نفر در بازار یا یک نفر در روستا اگر طغیان بکند یک نقطه محدودی را به فساد ممکن است بکشد، لکن اگر طغیان در کسی شد که مردم او را پذیرفته‌اند، در عالمی شد که مردم آن عالم را پذیرفته‌اند، در سلطانی شد که مردم آن سلطان را پذیرفته‌اند، در رؤسایی شد که مردم آنها را پذیرفته‌اند، این گاهی یک کشور را به فساد می‌کشد و گاهی کشورها را به فساد می‌کشد این طغیان‌ها که موجب این شد که کشورهایی به تباهی کشیده بشود برای این است که تزکیه نشده است کسی که زمام امور به دستش است.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ۳۹۲) لازم به ذکر است پیرامون ارتباط میان قدرت و اخلاق در اندیشه‌ی اسلامی بیان این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که



برخی از فقها و متکلمین شیعه رعایت گزاره‌های اخلاقی و تهذیب نفس را به عنوان مبنا و الزامی برای تشکیل حکومت اسلامی می‌دانند. در تبیین این عبارت می‌توان گفت از آن جا که انسان موجودی اجتماعی است و فرد و جامعه بر یکدیگر آثار متقابلی دارند و از سوی دیگر هدف انبیا الهی که همان راه سعادت انسان است در گرو عمل به گزاره‌های اخلاقی، تزکیه و تهذیب نفس می‌باشد و در یک جامعه نوع سیاست‌گذاری‌های حکومت و اجرای آن‌ها آثار فراوانی بر زندگی شخصی افراد دارد؛ در صورتی که برنامه‌های حکومت در راستای تحقق اوامر شارع و تسهیل‌کننده جریان تزکیه و تهذیب نفس نباشد، هدف بعثت انبیا با شکست مواجه می‌گردد و ارسال رسل و انزال کتب عبث می‌شود و از آن جا که خداوند حکیم به چنین وضعی راضی نیست تحقق بسترهای اجتماعی؛ عمل به گزاره‌های اخلاقی و تهذیب نفس که نیازمند حکومتی صالح است را به بهترین بندگان خود یعنی انبیا و ائمه معصومین سپرده است. (جوادی آملی، بی تا، ۱۷۹)

از آن‌چه بیان گردید به دست می‌آید که در اندیشه‌ی اسلامی قدرت سیاسی و اخلاق با یکدیگر دارای پیوند وثیقی می‌باشند و بر عهده گرفتن مسئولیت در حکومت اسلامی مستلزم به‌کارگیری گزاره‌های اخلاقی است. از سوی دیگر نیز گزاره‌های اخلاقی به مثابه روش‌هایی است که مانع از اعمال قدرت سخت و عاملی برای استفاده از ابزارهای ناشی از قدرت نرم می‌گردد که نتیجه‌ی آن اقتناع مخاطبان، توجیه و جذب آنان می‌باشد. به بیان دقیق‌تر مبتنی بر آموزه‌های شریعت مقدس اسلامی می‌توان به اصولی همانند اصول خداآگاهی و دوری از دنیا، اصل مهربانی و عطفوت، اصل صبر و سعه‌ی صدر، اصل قاطعیت و شجاعت، اصل حسن ظن و خیرخواهی، اصل امانتداری و رازداری و اصل عدم شتابزدگی و رعایت احتیاط در تصمیم‌گیری‌ها و اعمال صلاحیت‌های عمومی به عنوان اصولی یاد کرد که مقامات عمومی را در حکومت اسلامی به بهره‌گیری از اخلاق مکلف می‌نماید. اصولی که نتیجه‌ی اعمال آن‌ها در عرصه‌ی حکمرانی به مثابه اعمال قدرت نرم می‌باشد و تکلیف به اعمال آن‌ها، تکلیف به اعمال قدرت نرم خواهد بود. برای نمونه می‌توان به اصل مهربانی و عطفوت به عنوان یکی از گزاره‌های اخلاقی بوده که عمل مطابق آن مبتنی بر آموزه‌های شریعت اسلام از وظایف حکمرانان تلقی می‌گردد، اشاره نمود. مقصود از این اصل عبارت است از تواضع و فروتنی و افتادگی که موجب تعظیم و تکریم دیگران شود (جزایری، ۱۳۸۸، ۱۸۳)، بلند مرتبه ندانستن خود و اظهار کوچکی در برابر خدا و پیامبر و مؤمنان کردن و جاه طلب نبودن (الهامی‌نیا، ۱۳۸۵، ۱۳۱)، به مردم همان را عطا کنی که دوست داری، دریافت کنی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲،

(۱۲۴)، زندگی کردن با فروتنی و خضوع در بین مردم و معاشرت با آنان، گرامی و بزرگ داشتن دیگران و قائل نشدن امتیاز و برتری برای خود (فهیم‌نیا، ۱۳۸۹، ۳۳۳)، فرو بردن خشم در هنگام عصبانیت (جزایری، ۱۳۸۸، ۱۶۹) خودداری از اظهار خشم و نگه داشتن آن در دل (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۷۱۲) احسان و یا آن‌که انسان کم‌تر از آن‌چه بستانکار است بگیرد و بیش از آن‌چه بدهکار است بدهد (فهیم‌نیا، ۱۳۸۹، ۳۲۶) ملایمت و نرمی، و وسعت نظر و گشادگی، و گذشت و تحمل اجتماعی (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۱۵) و بخشیدن و ندیده گرفتن خطاها (فهیم‌نیا، ۱۳۸۹، ۱۳۹). بر این اساس می‌توان بسیاری از گزاره‌های اخلاقی مهربانی و عطف، پرهیز از خشونت و پرخاشگری (کظم غیظ)، تواضع، خشوع و فروتنی و فروتنی، احسان، عفو، احترام، الفت، بر و نیکی کردن، بشاشه و خوشرویی، احسان و نیکوکاری، احترام به افراد و گذشت از خطاها را ذیل این اصل مورد مطالعه قرار داد. وجه بارز این اصل که چنین گزاره‌های اخلاقی را در خود جای داده است آن می‌باشد که بیانگر نوع رابطه‌ی میان مسئولان و کارگزاران حکومت اسلامی با دیگران است و به عبارت دقیق‌تر مقامات حکومتی در مقام اعمال حاکمیت مبتنی بر این اصل نوع رفتار خویش با مخاطبان، تصمیمات و اقدامات (اعم از افراد زیر دست و یا مراجعین) را اصلاح می‌نمایند. صاحب کتاب در اسات مستند به آیات و روایات در زمینه‌ی رعایت اصل عطف و مهربانی به وسیله‌ی کارگزاران حکومت اسلامی بیان می‌دارد: «بی‌تردید پیامبر اکرم (ص) هم پیشوای پیشوایان و هم پیشوای مردم است و همه باید از زندگی او سرمشق بگیرند، پس وظیفه رهبر و پیشوای مسلمانان است که نسبت به مردم همواره نرم‌خو و با گذشت و مهربان باشد و با آنان با عطف رفتار کند و از خشکی و خشونت پرهیزد تا اینکه همه مردم را - مگر کسانی که خداوند بر دل‌هایشان مهر زده - به اسلام جذب نماید.» (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۵، ۳۵۵) در نتیجه به نظر می‌رسد مبتنی بر ماهیت قدرت در حکومت اسلامی که مستلزم تحقق گزاره‌های اخلاقی به وسیله‌ی حکمرانان است، مقامات حکومت اسلامی موظف به اعمال قدرت نرم در مقام تحقق حاکمیت الهی می‌باشند.

## ۲-۲. الزام به رعایت مشورت و قدرت نرم در حکومت اسلامی

مشورت در لغت از ریشه‌ی «ش و ر» و به معنای بیرون کشیدن و استخراج آرا و نظرهای دیگران است. (مصطفوی، ۱۴۰۲، ۱۴۹) اصطلاح مشورت بیانگر مفهوم کسب نظر صاحب‌نظران است که نتیجه‌ی آن دستیابی بهتر به حق است. (میرعلی، ۱۳۹۱، ۲۶) به بیان دقیق‌تر می‌توان گفت مقصود از مشورت در مقام تعال حاکمیت، نظرخواهی از دیگران و دخالت دادن آن‌ها در مورد یک امر و پرهیز از تک‌روی و استبداد توسط مقامات

عمومی است (شکوری، ۱۳۷۷، ۲۴۰) که نتیجه‌ی آن برگزیدن و شناسایی رأی ناب از میان آرای گوناگون است. (جوادی آملی، بی تا، ج ۶، ۱۳۷)

بر اساس ادله‌ی شرعی اعم از ادله‌ی عقلی و نقلی رعایت اصل مشورت در مقام تصمیم‌گیری و اجرا برای کارگزاران حکومت اسلامی لازم‌الاجراست. در حقیقت مستند به آیات قرآن، سنت و سیره‌ی ائمه‌ی معصومین (ع) و به‌ویژه سیره‌ی نبوی و علوی و همچنین مبتنی بر ادله‌ی عقلی همانند سیره‌ی عقلا و حکم عقلی بهره‌گیری از آرا و نظرهای دیگران، همه‌ی کارگزاران حکومت اسلامی موظف‌اند تصمیمات و اقدامات خویش را با بهره‌گیری از اصل روشی مشورت اتخاذ کنند و رعایت مشورت و وظیفه و تکلیف شرعی مقامات عمومی است. (ارسطا، ۱۳۷۸، ۱۴-۲۹ و مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ۴۹۰ و میرعلی، ۱۳۹۱، ۱۴۶-۱۴۷) فقهای شیعه بر این باورند که وجوب مشورت علاوه بر یافتن صحیح‌ترین راه اهداف دیگری همانند تألیف قلوب، جلوگیری از نفوذ استبداد در حکومت، تکریم و احترام به مردم، اقتدا و تأسی امت به حضرت، آزمایش افراد و تشخیص افراد صاحب‌نظر و عاقل، استفاده از تأیید مردم و توافق جمعی، جلوگیری از انتقاد بی جا در صورت شکست مقامات عمومی را دنبال می‌کند. (پورمحمدی، ۱۳۸۶، ۶-۱۰) در نتیجه حکمرانان حکومت اسلامی در جایگاه اعمال حاکمیت موظف به کسب نظرات مشورتی عمومی و تخصصی هستند که یکی از نتایج مهم این تکلیف، بهره‌گیری از تأیید مردم و توافق جمعی آنها و در نتیجه بهره‌گیری از ابزارهای قدرت نرم در اعمال قدرت سیاسی است.

مبتنی بر دو دلیل فوق می‌توان بیان نمود که مقامات حکومت اسلامی در مقام اعمال قدرت سیاسی مکلف به بهره‌گیری از ابزار قدرت نرم می‌باشند و اصل در اعمال حاکمیت، اعمال قدرت نرم و اقناع و جذب مخاطبان است. مهم‌ترین نتیجه‌ی این رویکرد به مفهوم قدرت در اندیشه‌ی اسلامی آن است که مقامات و کارگزاران حکومت اسلامی در مقام اعمال حاکمیت ابتدائاً مکلف به بهره‌گیری از ابزارهای قدرت نرم می‌باشند.

شاید بنابر تصور برخی قدرت نرم با فرهنگ جهاد در اندیشه‌ی اسلامی در تعارض باشد. چرا که در ظاهر جهاد در بردارنده‌ی مفهوم قدرت سخت، آمریت و اجبار است. این در حالی است که مبتنی بر مبانی ذکر شده فقهای شیعه بر این باورند که حتی در مقام مبارزه با حکومت‌های غیر اسلامی نیز اولویت اقدام با رفتارهای متناسب با اعمال قدرت نرم بوده و مسلمانان برای براندازی حکومت‌های طاغوتی نیز ابتدائاً مکلف به بهره‌گیری از راه‌های بدون خشونت و جذب غیرمسلمانان هستند. (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲، ۴۲۱ و عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ج ۲، ۱۱۱)

## نتیجه‌گیری

مبتنی بر آنچه بیان گردید در ادبیات حقوق عمومی معاصر، قدرت به مجموعه عوامل مادی و معنوی که موجب به اطاعت درآوردن فرد یا گروه فرمانبردار توسط فرد یا گروه حکمران می‌شود، اطلاق می‌گردد و به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم این حوزه از لحاظ ماهیت و نوع عملکرد به دو دسته‌ی قدرت سخت و قدرت نرم تقسیم می‌شود. قدرت سخت توانایی اعمال خواسته و به اطاعت درآوردن دیگران با استفاده از ابزار آمریت و اجبار است و در مقابل قدرت نرم تاثیرگذاری بر دیگران و توانایی به تبعیت درآوردن دیگران، ناشی از جذب و همراهی با بهره‌گیری از عنصر اقتناع و جذب می‌باشد. از آن‌جا که حکومت اسلامی، حکومت اعمال حاکمیت شریعت اسلام محسوب شده و کارگزاران آن مکلف به تحقق خواست و اراده‌ی شارع مقدس می‌باشند، در عرصه‌ی حکمرانی و اعمال خواسته‌های خود که برآمده از آموزه‌های اسلامی است، اصل بر اعمال قدرت نرم می‌باشد. ریشه‌ی این موضوع در پیوند ناگسستنی اخلاق و قدرت در اندیشه‌ی اسلامی نهفته است چرا که بر اساس اندیشه‌ی اسلامی مفهوم قدرت مبتنی و متکی بر مفهوم ولایت و اخلاق تعریف می‌گردد از سوی دیگر مقامات عمومی ملزم به مراجعه به مشورت بوده که یکی از آثار آن جلب رضایت و جذب آنان می‌باشد و از همین رو بهره‌گیری از ابزار اجبار و آمریت به عنوان ارکان تشکیل‌دهنده قدرت سخت با پیوند میان قدرت و اخلاق در اندیشه‌ی اسلامی قابل جمع نیست. به بیان دقیق‌تر در اندیشه‌ی اسلامی قدرت در عرصه‌ی حکمرانی به دو قدرت سخت که برآمده از اجبار، تهدید و توسل به زور است و قدرت نرم که با عناصر اقتناع و جذب دیگران همراه است تقسیم نمی‌گردد بلکه حاکمان حکومت اسلامی در مقام اعمال حکمرانی و در شرایط عادی مکلف به بهره‌گیری از گزاره‌های اخلاقی می‌باشند که ماهیتا تنها با قدرت نرم سازگاری دارد و مشروعیت قدرت نیز وابسته به گزاره‌های اخلاقی است که نتیجه‌ی اعمال آن‌ها ضرورتا با نتایج اعمال قدرت نرم سازگاری دارد.

## یادداشت‌ها

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: بهادری جهرمی، علی و علی فتاحی زفرقندی، مفهوم اصول حکمرانی در حکومت اسلامی، تهران: پژوهشکده‌ی شورای نگهبان، ۱۳۹۳، ۱۷-۲۸

۲- حضرت امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرماید: «و بدان ای مسکین، بر سالکی که به مدد معرفت به سوی خدا گام برمی‌دارد، در بعضی حالات آشکار می‌گردد که سلسله وجود و منازل غیب و مراحل شهود از تجلیات قدرت خداوند متعال و درجات بسط سلطنت و مالکیت اوست، و جز مقدرت او، مقدرتی نیست و اراده‌ای جز اراده او نیست بلکه وجودی جز وجود او نیست. پس عالم همانگونه که ظل وجود و رشحه جود اوست ظل کمال وجود او نیز هست، و قدرتش همه چیز را در برگرفته و بر همه چیز چیره گشته است. و موجودات به خودی خود، نه دارای شیئیتی هستند و نه وجودی، تا چه رسد به کمالات وجود مانند علم و قدرت و از جهاتی که به آفریننده قیومشان منسوب هستند، همه درجات قدرت و حیثیات کمال ذات و ظهور اسماء و صفات اویند.» (خمینی (امام)، روح الله، شرح دعاء السحر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴، ص ۱۱۳)

### 3 . Directorate

۴- بیان این نکته ضروری است که پژوهش حاضر در مقام بررسی اصل و قاعده‌ی کلی در راستای اجرای شریعت اسلام می‌باشد که اعمال آن مربوط به شرایط و اوضاع و احوال عادی بوده در حالی که اوضاع و احوال اضطراری و خاص نیازمند اقدام بر اساس آن شرایط است.

## منابع

- قرآن کریم
- آرون، ریمون (۱۳۷۰)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۷)، *دانشنامه‌ی سیاسی*، تهران: انتشارات مروارید.
- احمدی طباطبایی سید محمد رضا (۱۳۸۷)، *اخلاق و سیاست*، تهران: دانشگاه امام صادق و پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ارسطو، محمدجواد (۱۳۷۸)، «نگاهی به مبانی فقهی شورا»، *علوم سیاسی*، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، ش ۴.
- اعظمیان بیدگلی، مریم (۱۳۸۸)، «مؤلفه های اخلاقی مدیریت در نظام اسلامی»، *فصلنامه اخلاق*، شماره ۱۸، (۵-۴۰).
- افتخاری، اصغر و کمالی، علی (۱۳۹۴)، «ساختار قدرت نرم در گفتمان اسلامی»، *دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، شماره ۱۲.
- اقبال، اسماعیل، «تحلیل مولفه های قدرت نرم ترکیه (۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲)»، *دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، شماره ۱۱، ۱۳۹۳.
- الهامی نیا، علی اصغر (بی تا)، *اخلاق سیاسی*، قم: زمزم هدایت.
- الهامی نیا، علی اصغر (۱۳۸۶)، *اخلاق اطلاعاتی*، قم: زمزم هدایت.
- بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۷۵.
- بهادری جهرمی، علی، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با فساد آوری قدرت سیاسی، *دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، شماره ۶، ۱۳۹۱.

- پورمحمدی، محمدرضا، «قلمرو شورا در منابع اسلامی»، نشریه‌ی پاسدار اسلام، ش ۳۰۵، ۱۳۸۶.
- جزایری، محمدعلی، دروس اخلاق اسلامی، قم، حوزه‌ی علمیه‌ی قم، مرکز مدیریت، ۱۳۸۸
- جوادی آملی عبدالله، وحی و نبوت در قرآن، قم: انتشارات اسراء، بی تا
- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، اسراء، بی تا
- خمینی سید روح الله، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴
- خمینی، روح الله، شرح دعاء السحر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴
- خمینی، سیدروح الله، صحیفه‌ی امام، ۲۲ ج، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸
- خمینی، سید روح الله، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۲۳ هـ ق
- دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره‌ی نبوی «منطق عملی»، ۴ ج، تهران، دریا، ۱۳۸۳.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، حکمت حکومت در نهج البلاغه، تهران، دریا، ۱۳۸۰.
- راسل، برتراند، قدرت، ترجمه‌ی نجف دریابندری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۷
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
- رجایی، سیاست چیست، مجله‌ی سیاست خارجی، سال چهارم، ش ۹ و ۲، ۱۳۹۳
- رفیع، حسین و سید محمد جواد قربی، «کالبدشکافی قدرت نرم و ابزارهای کاربردی آن»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال سیزدهم، شماره ۴۷.
- رنجبر مقصود، اخلاق سیاسی، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر، ۱۳۸۱
- زرشناس، شهریار، واژه نامه‌ی فرهنگی، سیاسی، تهران: کتاب صبح، ۱۳۸۵
- سعیدی، روح الامین و حمیدرضا مقدم فر، منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۱۱، ۱۳۹۳
- شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷
- شهرام نیا، سید امیر مسعود و علی ابراهیمی و میثم بلباسی، واکاوی مفهومی قدرت نرم و راهکار (فرصت)های ایران در قبال آن، مجله دانش سیاسی و بین‌الملل، سال اول، شماره سوم،

- صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم شیرازی، مفاتیح الغیب، تعلیقات مولی علی نوری، تصحیح و مقدمه از محمد خواجوی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول. ۱۳۶۴
- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه‌ی سید محمدباقر موسوی همدانی، ۲۰ ج، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴
- عمید زنجانی، عباسعلی؛ فقه سیاسی؛ ۳ جلد، تهران: امیر کبیر، ۱۴۲۱
- عیوضی محمدرضا و اعظم امامی، فرایند تولید قدرت نرم با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)، دوفصلنامه قدرت نرم، شماره ۳، ۱۳۹۰
- فاضل لنکرانی، محمد، آیین کشورداری، قم، مرکز فقهی ائمه‌ی اطهار، ۱۳۸۸.
- فهیم‌نیا، محمدحسین، مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۹
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، القاموس المحیط، ۴ ج، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- قاضی، سیدابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۳
- کاتوزیان، ناصر، فلسفه‌ی حقوق (تعریف و ماهیت حقوق)، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷.
- کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ۸ ج، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- مرادی، حجت الله، قدرت جنگ نرم از نظریه تا عمل، تهران: ساقی، ۱۳۸۹
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ ج، تهران، مرکز کتاب للترجمه و النشر، ۱۴۰۲ق
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا، بی تا
- مکارم شیرازی، ناصر، أنوار الفقاهة، قم، مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (ع)، ۱۴۲۵ق
- منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه‌ی محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، ۸ ج، تهران، مؤسسه‌ی کیهان، ۱۴۰۹ق
- میرعلی، محمدعلی، جایگاه شورا در نظام مردم‌سالاری دینی، قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱
- نای، جوزف، قدرت نرم، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۷



- هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ۳، ج، قم، مؤسسه‌ی دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۴۲۶ق

- یوسفی، جعفر، "بررسی تطبیقی قدرت نرم در گفتمان های اسلامی و لیبرال دموکراسی"، در مجموعه مقالات، "قدرت نرم و سرمایه اجتماعی" (مطالعه موردی بسیج)، به اهتمام، اصغر . افتخاری، دانشگاه امام صادق(علیه السلام)، ۱۳۸۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

